



کهریزی

بخش پایانی

بیمارگونه می‌باشد که به خاطر سرنوشت جبری و محتوم خود، جز آن مجموعه‌ی نیکوکاری، سرپناه دیگری ندارند.

هرگز انتظار نداریم با بی‌توجهی چند نفر خدمه و کارگر و نظافت‌چی، تلاش‌های شبانه‌روزی آن زنان و مردان شکوه‌مند و خردمند و گل‌رخ به نظر نیاید و ما بمانیم با امید به مهر و محبت و از خود گذشته‌گی بیش‌تر کارکنان آن مجموعه ...

و چه زیبا است کلام، «فراموش، فراموش کردم، یادم رفت و ...» برای

جبران و توجیه ندانم کاری‌ها و بی‌دقتی‌هایمان، و چه زیباتر است واژگان «دقت، مواظبت، کنترل دقیق، مجازات و پاداش» در انجام وظیفه تا خواسته و ناخواسته، آگاهانه و ناآگاهانه، آن همه نیکی‌ها، بزرگواری‌ها، زحمت‌ها و شکیبایی‌ها به هدر نرود و زنان و مردن نیک روزگار ما زیر سؤال نروند!!

تمام افراد ناامید، ناسپاس، مایوس، سرخورده، دل‌زده، و غمگین این سرزمین باید اطلاق اعظم - ع، فاطمه - س، زهرا و سمیه را ببینند و با آن‌ها صحبت کنند تا درس مقاومت، تلاش، شادابی، امید و زندگی را از این چهار دختر معلول و ... یاد بگیرند.

چگونه می‌توان دست آن همه خدمت‌گزاران راستین و بی‌ریا را که بی‌نام و نشانند و فقط سهمی از نیکی و نیک نامی از پاکان روزگار به ارث برده‌اند، در آن مکان مقدس و در آن دیار زندگی‌بخش و در آن شهر شادی‌های بی‌غم نشسته، کهریزک مهربان، کهریزک قهرمان نبوسید و سر تعظیم و تکریم در مقابل زنان و مردانی فرود نیاورد که بسیار از ما نیکوکارترند و زندگی خود را وقف کسانی کرده‌اند که پدران و مادران و فرزندان‌شان توان نگاهداری آنان را ندارند.

دهم مهر هر سال روز جهانی مهر است. روز مهر ورزیدن، روز دوست داشتن، روز سالمندان، روز سال‌خوردگان. در این روز فرخنده، کهریزک و سالمندان‌ش را فراموش نکنیم. در تقویم دل‌هایمان روز دهم مهرماه هر سال را روز بازدید از سالمندان کهریزک ثبت کنیم تا شاید دست مهربانی در روزگاران پیری و سال‌خورده‌گی، نوازش‌گر شانه‌های لوزان ما باشد.

این جا کهریزک است. شهر خاموشی! شهر فراموشی!

پایان



رایگان به خدمات شبانه‌روزی مشغولند و همه چیز خود را وقف بهتر شدن اوضاع این مجموعه کرده‌اند، اما، اما اگر با حضور خود در مراکز خدماتی و نظافتی و بهداشتی و تغذیه و آشپزی و نشستن و صحبت کردن و به درد دل دردمندان گوش دادن، اوقاتی از روزهای خود را در بین آسایش‌پذیران سپری کنند، شاید بسیاری از تنگناهایی که اینک موجود است و باعث به هدر رفتن وقت و هزینه و سرمایه و مهم‌تر از همه، امانت‌ها و سپرده‌ها و هدایای بی‌ریای مردم می‌شود، جلوی بسیاری از هزینه‌های غیر ضروری گرفته شده و اعتبار خدماتی این سازمان نیکوکاری از آن چه که هست برتر و بالاتر برود. اشتباه است اگر گمان کنیم که کار ما بدون نقص است و در مجموعه‌ی بزرگ کهریزک هیچ مشکلی وجود ندارد و همه چیز کامل است!!

وقتی مردم نیکوکار با جان و دل، از خود و زندگی خود می‌زنند و به خاطر خدا و وجدان و دل خودشان کمک‌های ارزشمندی را تقدیم یک سازمان خیریه می‌کنند، از آن سازمان نیز انتظار دارند با امانتی‌های آنان همانند نفت چراغ حضرت علی (ع) رفتار شود که آن مرد پاک و پرهیزگار عالم ملکوت در وقت رسیدگی به کار و حساب و کتاب مردم از نفت بیت المال استفاده می‌کرد و در وقت رسیدگی به کار شخصی از نفت شخصی!....

مدیران و مسئولان این مجموعه‌ی عظیم به خوبی آگاه هستند که نوع کار، محل کار و شرایط انجام وظیفه‌ی پرسنل متخصص و خدماتی و نظافتی، در حدی بسیار کسالت‌آور و خسته‌کننده و سخت و در مواردی نه چندان کم غیر بهداشتی و آزار دهنده است. عدم رضایت این کارکنان خدماتی به معنای صدمه زدن، آسیب رساندن، بد رفتاری کردن و شکنجه‌های روحی و روانی به تمام آسایش‌پذیران و به خصوص معلولان جسمی و مغزی و سال‌خوردگان بی‌تحرك و بیمار و

اشک‌هایتان را نگاه دارید. برای پول، زندگی پرشکوه، ماشین مدل بال، بنت هاووس، ویل، آسمان خراش، برج، سفر به اروپا، جشن تولد، لوازم اسکی، عطر و ادوکلن، لباس‌های گران قیمت و ... گریه نکنید. این‌ها ارزش اشک‌های رنگین شما را ندارند. به کهریزک بیایید. به اتاق زهرا، سمیه، فاطمه، رعنا، رقیه، سلمه، معصومه، منصوره، اعظم، نیره، زرین، فریده، رضا، حسن، علی، بابک، فریدون، و ... سری بزنید. از آن‌ها احوال پرسى کنید و سرنوشت برخی از معلولان را ببینید تا

اگر چهار نوار گوگوش، عارف، رامش و نوش آفرین می‌تواند دل دختر معلولی را شاد کند و او را به وجد آورد و به زندگی امیدوارش نماید، چرا تنگ نظر باشیم و از تقدیم این کم‌ترین هدیه‌ی ناقابل خودداری کنیم.

معنی گریه کردن، غم‌دار بودن و اشک ریختن را بفهمید و آرزو و امید به زنده بودن و زندگی کردن و شاد بودن را در چشمان معصوم آنان مشاهده کنید و از آنان بیاموزید امیدوار بودن را. رحمت بی‌کوان ایزدی بر روح و روان بنیان‌گذاران این مجموعه‌ی عظیم که مرکز نگاهداری موجی از انسان‌های نیازمند سرزمین ما از ۳۰ سال گذشته به این طرف بوده است. آن ساختمان کهنه و مخروبه‌ی ۳۰ سال پیش به همت زنان و مردان شریف و نیکوکار این مرز و بوم به آسایشگاهی بسیار زیبا و مدرن تبدیل شده است.

بدون تردید هیئت مدیره و مدیران و مدیرعامل مومن و دل‌سوز مجموعه به خوبی می‌دانند که حفاظت درست و امانت‌داری صحیح از میلیاردها تومان کمک‌های مردمی چه مسؤلیت سنگین خدایی، انسانی، اخلاقی و وجدانی را متوجهی آن‌ها خواهد کرد. این داستان همانند آن واقعیت بیت المال مسلمین است که در اختیار مولا علی بود و حضرت علی (ع) از جان خود می‌گذشت، اما به بیت المال مسلمانان خیانت نمی‌کرد.

برخی از آسایش‌پذیران این مجموعه‌ی عظیم در گفت‌وگوی خود اظهار داشتند که هیئت مدیره و مدیران مجموعه و افراد خیر و نیکوکاری که تعداد آن‌ها از هزاران نفر نیز فزونی می‌گیرد، آن چنان شایسته و بزرگوار و پاک و پرهیزگار هستند که به